

تحلیل خصوصیات ساختاری شبکه زنان روستایی در استقرار مدیریت مشارکتی مناطق بیابانی

مهدی قربانی^{۱*} و لیلا عوض پور^۲

*۱- نویسنده مسئول، دانشیار، گروه احیاء مناطق خشک و کوهستانی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

پست الکترونیکی: mehghorbani@ut.ac.ir

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تربیت مدرس، شهرستان نور، استان مازندران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱۹

چکیده

تخریب و نابودی مناطق خشک و بیابانی که به علت عواملی مانند تغییرات اقلیمی و فعالیت‌های انسانی می‌باشد، یکی از چالش‌های عمده و جدی زیست‌محیطی پیش روی جهان امروز است. در مباحث پیرامون مدیریت مناطق خشک، زنان از دید برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران به عنوان یکی از گروه‌های هدف مورد توجه بوده و توانمندسازی آنان و زمینه‌های جلب مشارکتشان به عنوان بخش عظیمی از نیروهای انسانی ساکن روستاها از رئوس برنامه‌های مورد نظر سازمان‌های توسعه در کشورهای مختلف می‌باشد. در این پژوهش سرمایه اجتماعی شبکه زنان روستایی از طریق روش تحلیل شبکه‌ای، تکمیل پرسشنامه تحلیل شبکه‌ای و مصاحبه مستقیم با اعضای گروه‌های توسعه روستایی زنان، در روستای تاجمیر از توابع شهرستان سربیشه در استان خراسان جنوبی، از طریق سنجش پیوندهای اعتماد و مشارکت و با استفاده از شاخص‌های سطح کلان شبکه (تراکم، دسویگی پیوندها، میانگین فاصله ژئودزیک و نسبت پیوندهای برون گروهی به درون گروهی) بررسی شده است. نتایج حاصل بیانگر آن است که میزان سرمایه اجتماعی و به تبع آن سرعت گردش پیوندهای اعتماد و مشارکت در حد متوسط بوده و برای ایجاد بسیج جامعه محلی، توانمندی اجتماعی و پایداری اقتصادی و اجتماعی جامعه مورد بررسی و در نهایت استقرار مدیریت مشارکتی، ضرورت دارد که میزان سرمایه اجتماعی افزایش یابد که این عامل نیز فرصتی برای ایجاد ظرفیت در جهت مشارکت ایجاد کرده که تأثیر بسزایی بر روند مدیریت مشارکتی اجتماع محور در منطقه دارد.

واژه‌های کلیدی: ساختار شبکه، شبکه زنان، مدیریت مشارکتی بیابان، روستای تاجمیر، پروژه بین‌المللی ترسیب کربن.

مقدمه

تخریب و نابودی مناطق خشک که به علت عواملی مانند تغییرات اقلیمی و فعالیت‌های انسانی می‌باشد، یکی از چالش‌های عمده و جدی زیست‌محیطی پیش روی جهان امروز است. روند روزافزون تخریب این منابع ارزشمند در بسیاری از این نواحی تهدیدی جدی برای بشریت محسوب می‌شود (Longeran, 2005). در کشور ایران که ۸۵ درصد

اراضی آن در اقلیم‌های خشک، نیمه‌خشک و فراخشک است و با توجه به رشد یک درصدی میزان سالیانه بیابان‌زایی و گسترش روزافزون آن، نیاز به ارائه راهکارهایی در جهت استقرار مدیریت مشارکتی در این مناطق وجود دارد (بخشنده‌مهر و همکاران، ۱۳۹۱). رویکرد مشارکتی در بهره‌برداری و مدیریت عرصه‌های خشک و بیابانی، مهمترین راهکار و تکنیک به کار گرفته شده در

دولت جمهوری اسلامی ایران، برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و تسهیلات جهانی محیط‌زیست (GEF)، در دشت حسین‌آباد غیناب سریشه واقع در استان خراسان جنوبی آغاز شد و به پایان رسید. در این پروژه فعالیت‌های اصلی در پنج گروه عمده شامل بسیج جامعه محلی (تشکیل گروه‌های توسعه روستایی)، نهادسازی و کارگروهی، آموزش و بهره‌مندی از دانش و مهارت، درآمدزایی و ایجاد معیشت پایدار، بهبود خدمات توسعه‌ای پایه و مدیریت پایدار و مشارکتی منابع طبیعی انجام شده است.

در این راستا و با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی شبکه زنان در مدیریت مشارکتی مناطق خشک و بیابانی، در این تحقیق به بررسی روابط اعتماد و مشارکت، از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی در بین گروه‌های توسعه زنان روستای تاجمیر پرداخته شده است. در این مقاله سعی بر آن است از طریق روش تحلیل شبکه‌ای پیوندهای اعتماد و مشارکت در گروه‌های توسعه در بین زنان، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها

- روش تحقیق

در این مقاله روابط اعتماد و مشارکت، از مهمترین ابعاد سرمایه اجتماعی، در بین گروه‌های هدف (زنان عضو گروه‌های توسعه روستایی) تحلیل و ارزیابی شده است. در ابتدا با استفاده از روش پیمایشی و مطالعه اسناد موجود، زنان عضو گروه‌های توسعه روستای تاجمیر و زیرگروه‌های مورد نظر شناسایی شده و بر اساس آن پرسشنامه تحلیل شبکه‌ای تدوین و از طریق مشاهده مستقیم و مصاحبه با هریک از افراد تکمیل گردید. گروه‌های توسعه روستایی در شبکه زنان این روستا از سه گروه تشکیل شده است (جدول ۱). روش نمونه‌گیری در این تحقیق شبکه کامل بوده و تعداد افراد پرسش‌شونده در این تحقیق ۴۶ نفر از زنان روستا که در گروه‌های توسعه روستایی زنان بزیمان عضویت داشته‌اند را شامل می‌شود. همچنین با روش تحلیل شبکه اجتماعی اثربخشی این پروژه از نگاه اجتماعی تحلیل شده است.

راستای احیای اراضی بیابانی و مراتع تخریب‌شده در مناطق خشک می‌باشد. در این راستا فعالیت‌هایی مانند مشارکت مردم روستایی و توانمندسازی آنان در مشاغل مختلف و مشارکت آنها در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها و امکان اشتغال‌زایی در جوامع محلی، ترویج و بالا بردن سطح فرهنگی مردم در استفاده از انرژی‌های نو، یکپارچه‌نگری در سطح منطقه و تشکیل گروه‌های توسعه روستایی شامل این راهکارها می‌باشد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴ ج). در مباحث پیرامون مدیریت منابع طبیعی از جمله مناطق خشک و بیابانی، زنان از دید برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران به‌عنوان یکی از گروه‌های هدف مورد توجه بوده و توانمندسازی آنان و زمینه‌های جلب مشارکت‌شان به‌عنوان بخش عظیمی از نیروهای انسانی ساکن روستاها از رئوس برنامه‌های مورد نظر سازمان‌های توسعه در کشورهای مختلف می‌باشد (Eliot et al, 2007). بنابراین می‌توان گفت در بین روستاییان، زنان به دلیل وظایفی که بر عهده دارند، بیشترین ارتباط را با منابع طبیعی داشته و در همین راستا بیشترین تخریب عرصه‌های طبیعی به دلیل ناآگاهی و عدم برخورداری از دانش و آگاهی کافی پیرامون اهمیت و جایگاه این عرصه‌ها در پایداری محیط توسط آنها انجام می‌شود (غنیان و زرافشانی، ۱۳۷۵). به همین دلیل به‌عنوان گروه‌های هدف در پروژه‌های مدیریت مشارکتی منابع طبیعی به‌کار گرفته می‌شوند. بطور کلی در دستیابی به توانمندسازی جوامع محلی و در راستای تحقق توسعه پایدار محلی، تأکید بر سرمایه‌های مختلفی است که مهمترین آنها سرمایه اجتماعی است که با تأکید بر مؤلفه‌های اعتماد و مشارکت، یکی از انواع سرمایه‌های تأثیرگذار است (بدری و همکاران، ۱۳۹۲) و در کنار دو عامل سرمایه مالی و انسانی، رکن سوم دستیابی به توسعه را تشکیل می‌دهد (Bulen & Onyx, 1991). از این رو می‌توان عنوان کرد از جمله مهمترین اقدامات در زمینه توانمندسازی زنان روستایی، تقویت سرمایه اجتماعی و نهادسازی (ظرفیت‌سازی) در بین زنان است.

پروژه ترسیب کربن از نیمه سال ۲۰۰۳ با مشارکت

جدول ۱- اسامی گروه‌های توسعه روستایی زنان و تعداد افراد مورد بررسی به تفکیک گروه در روستای تاجمیر

شهرستان	روستا	نام گروه	تعداد پرسشنامه تکمیل شده
حسین‌آباد سربیشه	تاجمیر	شکوفه	۱۵
		صنایع دستی	۱۱
		زنان پایدار	۲۰
جمع کل			۴۶

منبع: یافته‌های تحقیق

- منطقه مورد مطالعه

شهرستان سربیشه به مرکزیت شهر سربیشه با مساحتی برابر ۸۲۵۱ کیلومتر مربع در شرق ایران، حاشیه شمال شرقی دشت لوت و در جنوب شرقی شهرستان بیرجند و در محور بین‌المللی بیرجند- زاهدان واقع شده است که از شمال و غرب به شهرستان بیرجند و از جنوب به شهرستان نهبندان و از شرق به کشور افغانستان محدود بوده و طول مرز مشترک آن با کشور افغانستان حدود ۱۱۰ کیلومتر می‌باشد.

- تحلیل شبکه اجتماعی

روش تحلیل شبکه‌ای (Social Network)

Analysis:SNA) ابزاری کمی و ریاضی است که با استفاده از آن می‌توان ساختارهای اجتماعی- اقتصادی را در میان ذینفعان محلی طراحی و تحلیل کرد. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق در نرم‌افزار UCINET نسخه ۶/۵۰۷ مورد تحلیل قرار گرفت. ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها سند برنامه عمل پایش و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی، سیاستی در توانمندسازی جوامع محلی و مدیریت جامع سرزمین است (قربانی، ۱۳۹۴ الف). از جمله شاخص‌هایی که مطابق اهداف تعریف شده این تحقیق مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۲- شاخص‌های تحلیل شبکه‌ای در راستای سنجش اعتماد و مشارکت

شاخص	تعریف
تراکم شبکه	این شاخص به صورت نسبت تعداد همه پیوندهای موجود به همه پیوندهای ممکن تعریف می‌شود (Koutsou, 2014). تراکم شبکه محدوده‌ای بین صفر درصد و ۱۰۰ درصد است. تراکم بالا منجر به افزایش اعتماد و تسهیل در به اشتراک‌گذاری اطلاعات و منابع و همچنین افزایش مشارکت و همکاری بین ذینفعان خواهد شد، بنابراین میزان سرمایه اجتماعی افزایش یافته و فعالیت‌های مشارکتی تسهیل می‌یابد (Wasserman & Faust, 1994).
دوسویگی (Reciprocity) پیوندها در شبکه	به منظور میزان پایداری شبکه روابط و میزان متقابل بودن پیوندهای اعتماد و مشارکت از این شاخص استفاده می‌شود. هرچه میزان این شاخص در شبکه روابط بیشتر باشد نشان‌دهنده بالا بودن میزان روابط متقابل سازنده بین افراد حاضر در شبکه می‌باشد و پایداری شبکه روابط را تضمین می‌کند (Hanneman & Riddle, 2005).
انتقال یافتگی پیوندها در شبکه	این شاخص از به اشتراک‌گذاری پیوندها بین سه فرد که یکی از آنها به‌عنوان پل ارتباطی بین دو فرد دیگر می‌باشد، حاصل می‌شود (قربانی، ۱۳۹۱). هرچه تعداد افراد انتقال دهنده پیوندها بیشتر باشد، میزان این شاخص بالاتر است و در نتیجه پایداری و دوام روابط را در بین کنشگران به دنبال دارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴).
کوتاه‌ترین فاصله میان دو کنشگر (میانگین (Geodesic Distance) فاصله ژئودزیک)	این شاخص نشان‌دهنده کوتاه‌ترین مسیر بین دو جفت کنشگر بر اساس پیوندهای اعتماد و مشارکت می‌باشد. هرچه میزان این شاخص بالاتر باشد سرعت گردش و پخش اعتماد و پیوندهای مشارکتی در بین افراد و میزان اتحاد و یگانگی در جامعه بیشتر خواهد بود. همچنین این شاخص در مدیریت بحران نیز بسیار کاربرد دارد (Hanneman & Riddle, 2005).

تعریف	شاخص
این شاخص نشان‌دهنده پیوندهای برون گروهی به درون گروهی است. در واقع میزان سرمایه اجتماعی ارتباطی یا برون گروهی را می‌توان بر اساس این شاخص سنجید. منظور از سرمایه اجتماعی برون گروهی میزان پیوند بین سرگروه‌های مختلف در گروه‌های مختلف در منطقه مورد نظر می‌باشد. افراد دارای E-I مثبت دارای پیوندهای برون گروهی بیشتر نسبت به سایرین (تمایل به انسجام برون گروهی) و افراد دارای منفی این شاخص دارای پیوند درون گروهی بیشتر (تمایل به انسجام درون گروهی) و افراد با شاخص E-I صفر پیوندهای درون و برون گروهی برابری در شبکه دارند (سالاری و همکاران، ۱۳۹۳).	نسبت پیوندهای برون گروهی به درون گروهی

نتایج

– تحلیل الگوی ساختاری اعتماد، مشارکت اجتماعی در سطح کلان شبکه زنان روستای تاجمیر

– شاخص تراکم و میزان سرمایه اجتماعی در شبکه زنان روستای تاجمیر

بر اساس نتایج حاصل از جدول ۳ اندازه شاخص تراکم بر اساس پیوند اعتماد و مشارکت اجتماعی در شبکه زنان روستای تاجمیر (۴۶ نفر) به ترتیب ۴۹/۲ و ۴۶/۲ درصد بوده که گویای میزان تراکم متوسط در شبکه اعتماد و مشارکت زنان روستای تاجمیر می‌باشد؛ که این نشان از اعتماد و همکاری نسبی و متوسط زنان این روستا به یکدیگر و در امور مختلف دارد. بر این اساس می‌توان بیان کرد که میزان سرمایه اجتماعی در شبکه زنان روستای تاجمیر در سطح متوسطی قرار دارد. از این رو نیاز است در راستای افزایش میزان انسجام و سرمایه اجتماعی از شیوه‌های ترویجی، آموزشی و مشارکتی بهره گرفته شود.

– میزان دوسویگی پیوندها در شبکه زنان روستای تاجمیر
نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که میزان اعتماد متقابل و مشارکت متقابل بر اساس میزان دوسویگی پیوندها در میان زنان محلی در پیوندهای اعتماد و مشارکت به ترتیب برابر با ۴۳/۴ و ۴۰/۹ درصد (در حد متوسط) می‌باشد. از این رو می‌توان بیان کرد که شبکه زنان روستای تاجمیر از پایداری متوسطی برخوردار می‌باشد. بالا بودن اعتماد و مشارکت متقابل در بین افراد، سبب می‌شود که اعتماد و مشارکت در بین آنها نهادینه شده، در نتیجه این امر باعث می‌شود که

سرمایه اجتماعی شبکه افزایش یابد و در نهایت برنامه‌ریزی مشارکتی در مدیریت یکپارچه سرزمین با هزینه و زمان کمتری همراه شود. همچنین این امر باعث می‌شود که احترام به هنجارها و عرف‌های محلی در بین افراد بوجود آید که این مسئله تا حد زیادی تنازعات و شکایت‌های اجتماعی در بین افراد را کاهش خواهد داد.

– میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت در شبکه زنان در روستای تاجمیر

بر اساس نتایج حاصل از شاخص میانگین فاصله ژئودزیک، میانگین کوتاه‌ترین مسیر بین یک جفت کنشگر در پیوندهای اعتماد و مشارکت به ترتیب برابر ۱/۵۴ و ۱/۶۵ درصد می‌باشد. به این ترتیب می‌توان عنوان کرد که کنشگران در پیوندهای اعتماد از میزان وحدت و یگانگی بالاتری نسبت به پیوندهای مشارکت برخوردار می‌باشند و عبارتی سرعت گردش پیوندهای اعتماد بیشتر از پیوندهای مشارکت می‌باشد، در نتیجه اتحاد و یگانگی بین افراد در پیوند مشارکت کمتر از پیوندهای اعتماد بوده، از این رو زمان بیشتری برای هماهنگ کردن افراد به منظور جلب مشارکت برای مدیریت یک منبع مشخص نیاز می‌باشد. با وجود این میزان در هر دو پیوند همچنان در حد متوسط است که نشان می‌دهد که منابع و اطلاعات با سرعت متوسطی انتشار می‌یابد. بنابراین به دلیل یگانگی و اتحاد متوسط میان نهادها هماهنگ کردن کنشگران و ذینفعان محلی در مدیریت مشارکتی سرزمین با صرف زمان همراه خواهد بود.

مرز اکولوژیک	نوع پیوند	تعداد افراد	تراکم (%)	دوسویگی پیوندها (%)	میانگین فاصله ژئودزیک
روستای	اعتماد	۴۶	۴۹/۲	۴۳/۴	۱/۵۴
تاجمیر	مشارکت	۴۶	۴۶/۲	۴۰/۹	۱/۶۵

منبع: یافته‌های تحقیق

- پیوندهای درون گروهی (**Bonding ties**) و برون گروهی (**Bridging ties**) در شبکه زنان در روستای تاجمیر

بررسی پیوندهای درون گروهی و برون گروهی در بین جامعه محلی برای انجام طرح‌های مشارکتی و توسعه روستایی که با هدف توانمندسازی اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی روستاییان انجام می‌شود، الزامیست. در این تحقیق به روابط درون و برون گروهی زیر گروه‌های زنان تاجمیر عضو در صندوق خرد توسعه روستایی در پیوندهای اعتماد و مشارکت با استفاده از شاخص (External- E-I (internal) پرداخته شده است.

- پیوندهای درون و برون گروهی اعتماد و مشارکت شبکه زنان در روستای تاجمیر
مطابق جدول ۴ و بر اساس بررسی پیوندهای درون و برون گروهی اعتماد در شبکه زنان تاجمیر عضو در گروه‌های توسعه روستایی در کل ۱۴۱۸ پیوند اعتماد وجود دارد. اندازه مثبت شاخص E-I (۰/۱۴) نشان‌دهنده بیشتر بودن پیوندهای برون گروهی نسبت به پیوندهای درون گروهی است و ۱۴ درصد از کل این شاخص را دربرمی‌گیرد، به این معنی که اعتماد افراد به یکدیگر در خارج از گروه خود نیز از وضعیت مطلوب و خوبی برخوردار است، به صورتی که کنشگران متمایل به برقراری پیوند اعتماد با کنشگران سایر گروه‌ها می‌باشند.

جدول ۴- پیوندهای درون و برون گروهی اعتماد در شبکه زنان در روستای تاجمیر

مؤلفه	تعداد	درصد	حداکثر میزان مورد انتظار	تراکم (%)
پیوندهای درون گروهی	۶۱۰	۴۳	۷۰۰	۸۷
پیوندهای برون گروهی	۸۰۸	۵۷	۱۳۷۰	۵۹
شاخص E-I	۱۹۸	۱۴	۶۷۰	۳۲

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول ۵، همچنین در شبکه زنان تاجمیر عضو در گروه‌های توسعه روستایی در کل ۱۳۵۸ پیوند مشارکت وجود دارد. شاخص E-I نیز با میزان ۰/۱۲ بیانگر این موضوع است که روابط برون گروهی افراد از روابط

درون گروهی آنان بیشتر بوده و اعضای گروه‌ها در پیوند مشارکت نیز تمایل به برقراری ارتباط با سایر گروه‌ها و افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی خود دارند.

جدول ۵- پیوندهای درون و برون گروهی مشارکت در شبکه زنان در روستای تاجمیر

مؤلفه	تعداد	درصد	حداکثر میزان مورد انتظار	تراکم (%)
پیوندهای درون‌گروهی	۵۹۶	۴۴	۷۰۰	۸۵
پیوندهای برون‌گروهی	۷۶۲	۵۶	۱۳۷۰	۵۶
شاخص E-I	۱۶۶	۱۲	۶۷۰	۳۲

منبع: یافته‌های تحقیق

مدیریت مشارکتی در جهت احیاء این مناطق با سرعت بیشتر و زمان کمتری انجام شود. نتایج تحقیقات مختلف نیز مؤید این مطلب می‌باشد (Bodin *et al*, 2006., Bodin & Prell, 2005., Pretty, 2003).

میزان اعتماد متقابل و مشارکت متقابل بر اساس میزان دوسویگی پیوندها در میان زنان محلی در پیوندهای اعتماد و مشارکت در حد متوسط می‌باشد. بالا بودن اعتماد و مشارکت متقابل در بین افراد باعث می‌شود که سرمایه اجتماعی شبکه افزایش یابد و در نهایت برنامه‌ریزی مشارکتی در جهت مدیریت عرصه‌های طبیعی با هزینه و زمان کمتری همراه شود. از این رو با توجه به نتایج حاصل از شاخص دوسویگی در شبکه زنان تاجمیر، ترویج اعتماد و همکاری بیشتر در راستای افزایش سرمایه اجتماعی زنان و به دنبال آن ارتقاء توانمندسازی جامعه زنان روستا ضروری می‌باشد.

بنابراین میانگین کوتاه‌ترین فاصله بین دو کنشگر در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت در حد متوسط گزارش شده است. البته هرچه این فاصله کمتر باشد افراد از اتحاد و یگانگی بالاتری برخوردار بوده و با سرعت بیشتری به یکدیگر دسترسی داشته و زمان کمتری برای هماهنگ کردن افراد برای مدیریت یک منبع مشخص صرف شده و در نهایت اعتمادسازی و فعالیت‌های جمعی در این دو گروه سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد. از این رو کاهش میزان این شاخص در راستای افزایش یگانگی میان اعضای گروه و افزایش سرعت شکل‌گیری پیوندهای اعتماد و مشارکت ضروریست. در این ارتباط در تحقیقی بیان شده است که سرعت بالای گردش اعتماد و مشارکت در بین افراد باعث

به‌طورکلی در مرحله قبل از اجرای پروژه در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بیشتر از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌باشد. این امر نشان از آن دارد که در سه زیرگروه زنان تاجمیر عضو در صندوق خرد توسعه روستایی تمایل دارند تا ضمن اینکه انسجام درون‌گروهی خود را حفظ می‌کنند پیوندهای برون‌گروهی نیز داشته باشند و به این ترتیب سرمایه اجتماعی برون‌گروهی خود را نیز افزایش دهند. بنابراین می‌توان گفت پروژه بین‌المللی ترسیب کربن با تأثیر مثبتی که بر روی افزایش تعاملات افراد با خارج از گروه گذاشته است باعث شده است که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی تحقق یابد و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی را نیز در شبکه زنان روستای تاجمیر تقویت کند که این عامل نیز فرصتی برای ایجاد ظرفیت در جهت مشارکت ایجاد کرده که تأثیر بسزایی بر روند مدیریت مشارکتی اجتماع محور در این منطقه داشته است.

بحث

بر پایه نتایج میزان شاخص تراکم بر اساس پیوند اعتماد و مشارکت اجتماعی در شبکه زنان روستای تاجمیر گویای میزان تراکم و به نوعی سرمایه اجتماعی متوسط در شبکه اعتماد و مشارکت زنان روستا می‌باشد که نیاز به افزایش این شاخص برای اجرای طرح‌های مشارکتی و مدیریت اجتماع‌محور در منطقه می‌باشد. به‌طور کلی بالا بودن میزان اعتماد و مشارکت در بین بهره‌برداران باعث خواهد شد میزان تراکم و سرمایه اجتماعی شبکه ذینفعان محلی با سرعت بیشتری تحقق یابد و هماهنگ کردن افراد برای

۵۶

- بخشنده مهر، ل.، ساطانی، س.، و سپهر، ع.، ۱۳۹۱. ارزیابی وضعیت فعلی بیابان‌زایی و اصلاح مدل مدالوس در دشت سگری اصفهان، مرتع و آبخیزداری، ۶۶(۱): ۲۷-۴۱.
- بدری، ع.، رمضان‌زاده لسبویی، م.، عسگری، ع.، غدیری معصوم، م. و سلمانی، م.، ۱۳۹۲. نقش مدیریت محلی در ارتقای تاب‌آوری مکانی در برابر بلایای طبیعی با تأکید بر سیلاب (مطالعه موردی: دو حوضه ی چشمه کیله ی شهرستان تنکابن و سردآبرود کلاردشت. مدیریت بحران، ۱۱(۲): ۳۹-۵۰.
- رحیمی بالکانلو، خ.، قربانی، م.، جعفری، م.، طویلی، ع.، ۱۳۹۳. قدرت اجتماعی و شاخص مرکزیت در شبکه بهره برداران مرتع در راستای مدیریت مشارکتی (منطقه مورد مطالعه: مرتع گورمومنین، منطقه کلاته رودبار، دامغان). مرتع و آبخیزداری، ۶۸(۱): ۶۴-۴۷.
- سالاری، ف.، قربانی، م. و ملکیان، ا.، ۱۳۹۳. پایش اجتماعی شبکه ذی‌نفعان در حکمرانی محلی منابع آب (منطقه مورد مطالعه: حوزه آبخیز رزین، شهرستان کرمانشاه). مرتع و آبخیزداری، ۶۸(۲): ۳۰۵-۲۸۷.
- غنیان، م. و زرافشانی، ک.، ۱۳۷۵. بررسی فعالیت‌های ترویجی کشورهای مختلف در زمینه حفظ و احیاء جنگل‌ها، مجموعه مقالات اولین سمینار علمی-ترویجی منابع طبیعی، امور دام و آبیان، ۲۶۸-۲۷۹.
- قربانی، م.، آذرنبوند، ح.، مهرابی، ع.، الف.، باستانی، س.، جعفری، م. و نایبی، ه.، ۱۳۹۲. تحلیل سیستم شبکه اجتماعی در مدیریت مشارکتی مرتع: مطالعه موردی: منطقه طالقان- روستای ناریان. مرتع، ۱(۷): ۸۵-۴۷.
- قربانی، م.، ۱۳۹۴. الگوی ایرانی مشارکت و توانمندسازی جوامع محلی با رویکرد شبکه اجتماعی. دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ۲۶۴ص.
- قربانی، م.، عوض پور، ل.، و یوسفی، م.، ۱۳۹۴. ج. تحلیل و ارزیابی سرمایه اجتماعی در راستای تقویت تاب‌آوری جوامع محلی و مدیریت پایدار سرزمین. مرتع و آبخیزداری، ۶۸(۳): ۶۲۵-۶۴۵.

Bodin, O. and Prell, C., 2011. Social network in natural resources management. Cambridge University Press.

Bodin, O., Crona, B., and Ernstson, H., 2006. Social networks in natural resource management What's there to learn from a structural perspective?, Ecology & Society, 11(2): 2. [online] URL: <http://www.ecologyandsociety.org/vol11/iss2/resp2/>.

می‌شود که در ایجاد مدیریت مشارکتی در منطقه مورد نظر وضعیت مطلوبی از نظر هماهنگی کردن افراد برای اجرای مدیریت مشارکتی وجود خواهد داشت. نتایج تحقیقات مختلف (Petrou & Daskoulopolou, 2013., Jatel,) (2013) نتایج این تحقیق را تأیید می‌کند.

نتایج حاصل از شاخص E-I بیانگر این موضوع می‌باشد که زنان هر گروه تمایل به برقراری ارتباط با افراد گروه‌های دیگر دارند. در نتیجه اعتماد و همکاری زنان منحصر به زیرگروه‌های خود در روستا نبوده و در کل سطح شبکه زنان روستا گسترش یافته است. نتایج حاصل بیانگر آن است که پروژه بین‌المللی ترسیب کرین بخوبی توانسته روابط بین گروهی را تقویت کرده و بدین ترتیب دسترسی کنشگران به منابع و حمایت‌های خارج از گروه خود را افزایش دهد، که این امر خود موجب افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی آنان می‌گردد و با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در توانمندسازی زنان و مدیریت مشارکتی آنها در احیاء عرصه‌های طبیعی، تقویت پیوندهای پلی در شبکه یک امر ضروریست (سالاری و همکاران، ۱۳۹۳؛ رحیمی بالکانلو و همکاران، ۱۳۹۳).

در نهایت می‌توان بیان کرد که اولین گام برای رسیدن به مدیریت پایدار مناطق خشک و بیابانی، بسیج جوامع محلی و جلب مشارکت مردمی در کلیه سطوح می‌باشد. مطمئناً بدون حضور و مشارکت جوامع محلی، کلیه اقدامات انجام‌شده در زمینه حفظ و احیای منابع طبیعی بی‌اثر و بی‌نتیجه خواهد بود و با توجه به نقش زنان در حفظ این منابع و روند رو به رشد تخریب این عرصه‌ها لزوم استفاده از این سرمایه در جهت حفظ عرصه‌های خشک کشور بیش از پیش احساس می‌گردد.

منابع مورد استفاده

- ابراهیمی، ف.، قربانی، م.، سلاجقه، ع.، و محسنی ساروی، م.، ۱۳۹۳. شبکه اجتماعی ذینفعان محلی در برنامه عمل مدیریت مشارکتی منابع آب (مطالعه موردی: رودخانه جاجرود در حوزه آبخیز لتیان- روستای دربندسر، علوم و مهندسی آبخیزداری، ۸(۲۵): ۴۷-

- University of British Columbia.
- Koutsou, S., Partalidou, M. and Ragkos, A., 2014. Young farmers' social capital in Greece: Trust levels and collective actions. *Journal of Rural Studies*, 34: 204-211.
- Longeran, S., 2005. The role of UNEP in desertification research and mitigation. *Journal of Arid Environment*, 63(3): 533-543.
- Petrou, A. and Daskalopoulou, I., 2013. Social capital and innovation in the services sector. *European Journal of Innovation Management*, 16(1): 50-69.
- Pretty, J., 2003. Social capital and the collective management of resources. *Journal of Science*, 302:1912- 1914.
- Wasserman, S. and Faust. F., 1994. *Social Network Analysis: Methods and applications*, Cambridge, M. A: Cambridge University Press. 358p.
- Bullen, P. and Onyx, J., 1999. Social capital: Family Support Services and Neighbourhood and Community Center in New South Wales, Family Support Services Association and Sydney, Available at: <http://www.mapl.com.au/A12.htm>.
- Eliot, T. S., Jackson, S. and Enssin, A., 2007. Women in wasteland, gendered deserts. *Journal of Gender Studies*, 14(3): 205-216.
- Hanneman, R. A., 2001. *Introduction to social network methods*. California: University of California, Riverside, 149p.
- Jatel, N., 2013. Using social network analysis to make invisible human actor water governance networks visible – the case of the Okanagan valley, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of arts in the college of graduate studies (Interdisciplinary Studies) the

Analysis of structural characteristics of rural women network for establishment of collaborative management in desert areas

M. Ghorbani^{1*} and L. Avazpour²

^{1*}-Corresponding author, Associate Professor, Department of Reclamation of Arid and Mountainous Regions, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran, Email: mehghorbani@ut.ac.ir

²-Former M.Sc. Student, Rangeland Management Department, Faculty of Natural Resources, Tarbiat Modares University, Noor, Iran

Received:3/18/2016

Accepted:5/8/2016

Abstract

Degradation of arid and desert areas due to climate change and human activities has turned into a serious and alarming environmental challenge. The process of arid area management urged policy makers and planners to pay due attention to women as a focus group so that empowerment of women and winning their collaboration is one of the fundamentals of development organizations of different countries. In present study, the social capital of rural women network was assessed through network analysis method by applying network analysis questionnaire and direct interview with members of women rural development groups in Tajmir village, Sarbishe County, South Khorasan province. As a matter of fact, trust and collaboration ties were measured based on macro-network indices (density, reciprocity, average Geodesic distance and the ratio of out-group ties to in-group ones). It was found out that the social capital and speed of the circulation of trust and collaboration bonds were moderate. Therefore, local community mobilization, social empowerment, social and economic stability of the relevant community, and last but not least, and the establishment of collaborative management necessitate an increase in the level of social capital, so that collaboration capacity is built to impact considerably on community-based collaborative management trend.

Keywords: Network structure, women network, desert collaborative management, Tajmir village, the international project of carbon sequestration.